

« هر جانب هجوم آوردند. رئیس مأمورین که از صاحبمنصبان نظامی بود سربازها را «
 « فرمان شلیک داد؛ سربازها از این حرکت امتناع ورزیده امر صاحبمنصب را اطاعت «
 « نکردند. فرمانده خودش مبادرت بشلیک کرده جوان سید را هدف گلوله ساخت «
 « و در همان نقطه هلاک نمود. مردم از کشته شدن سید بیشتر بهیچان آمده بقراولخانه «
 « که واعظ مذکور در آنجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت چهار تیر از طرف «
 « سربازها شلیک شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند. پس از جنگ مختصری سربازها «
 « شکست خورده فرار اختیار کردند. آنگاه جسد سید را به مدرسه ای که در همان حوالی «
 « بود انتقال دادند و جمعیت کثیری در آنجا اجتماع نموده صورت واقعه را بملاها و «
 « پیش نمازهای آن اطراف پیغام فرستاده ایشانرا بدانجا طلیدند. طولی نکشید که «
 « علما و طلاب با بسیاری از مردم وارد مدرسه گردیدند و در همان وقت بازارها نیز بسته شد. «
 « مردم کفن بگردن افکنده در کوچه و بازار ازدحام نموده مثل اینکه «
 « بنخواهند جهاد کنند و برای کشته شدن آماده باشند و همچنین زنها مویه کنان بر سر «
 « و سینه میزدند و دولت را بنفرین و دعای بد یاد میکردند. چون خبر این حادثه «
 « بوزیر اعظم رسید معجلاً با گروهی از سواران که اطرافش را احاطه داشتند بتهران «
 « آمد و بلا تأمل مجلسی منعقد ساخته پس از مشورت صلاح چنین دیدند که قوه نظامی «
 « استعمال شود؛ لهذا در تمام بازارها سرباز مأمور نمودند و بدیوارهای شهر اعلام نصب «
 « نمودند که مفادش سرزنش و توبیخ از هیجان بود و نیز امر بر طبقه علما که هر «
 « تظلمی دارند اظهار نمایند و همچنین مشعر بود بر استقرار دائمی صدر اعظم و عدم «
 « عزل او از صدارت. تا ۱۲ ژویه هیچگونه تغییر و تبدیلی در اوضاع داده نشد. «
 « محترمین از علما و مجتهدین و بسیاری از تجار و کسبه در مسجد جمعه تهران «
 « اجتماع نموده آنجا را مأمن خود قرار داده بودند. سربازها آنجا را احاطه نمودند. «
 « روز ۱۳ ژویه عده ای از مردم پیراهن خونی سید مقتول را بر سر چوب نصب کرده «
 « بدست گرفتند و بحالت سینه زنی و حسین حسین گویان در بازار بگردش درآمدند؛ «
 « سربازها که مانع از حرکت ایشان بودند یکمرتبه بطرف جمعیت شلیک کرده جمعی «

در تغییر رژیم ایران بمشروطیت
سهم بزرگی داشت



میرزا سید محمد طباطبائی

در تغییر رژیم ایران بمشروطیت
نقش بزرگی بازی کرد



میرزا سید عبدالله بهبانی

« را مقتول و عده‌ای را مجروح ساختند؛ اجساد مقتولین را سربازها مخفیانه حمل کردند »
 « و در چاهی که نزدیک شهر است فرو ریختند. وقتی خبر این واقعه با قاسم سید عبدالله »
 « مجتهد که در مسجد جمعه موعظه می نمود رسید قرآن بر سر دست گرفته مرد مرا »
 « قسم داد که متفرق شوند و در مسجد توقف نکنند و ضمناً پیغاماتی که کتباً از طرف »
 « شاه فرستاده شده بود در حضور جمع قرائت نمود و پس از آن گفت ای مردم آنچه »
 « را که در باب عدالت خواهش و تقاضا نمودید عاقبت جز گلوله جوایی نشدید. »

« از سیزدهم تا پانزدهم ژویه علما و مجتهدین از مسجد نتوانستند خارج شوند »
 « و چنان محاصره شده بودند که آذوقه و نان با کمال اشکال و بطور مخفی با آنها میرسید. »
 « بالاخره دولت علما را اجازه داد که از تهران خارج شوند و بهر جا مایل باشند »
 « عزیمت نمایند بشرط آنکه مردم با آنها مسافرت نکنند. »

« روز پانزدهم ژویه مجتهدین و علما از تهران عازم قم گردیدند و شب در مسجد »
 « بین راه توقف کردند و از آنجا اعلام نمودند که اگر شاه ایفاء بمواعید خود و وضع »
 « قوانین اصلاح و تنظیم ننماید و صدراعظم را معزول نکنند هر آینه اجتماع علما و »
 « مجتهدین باماکن مقدسه هجرت خواهند کرد بطوریکه نه پیشوائی در پای تخت »
 « باقی بماند و نه امور شرعی از این ببعد در آنجا اجرا شود »

« در این وقت ظاهراً دولت فاتح و غالب آمد و شهر را در تحت قوه نظامی »
 « در آوردند. رؤسا و محرکین ملت از ترس فرار کردند. حکومت باستفسار »
 « احوال طرفداران ملت و تجسس آنها برآمده با کمال دقت مواظب رفتار ایشان بود »
 « درباریان و مدعیان هواخواهان ملت نفوذ تامه در شاه حاصل کرده او را بکلی در حیطه »
 « تصرف خویش در آوردند و بر مردم معلوم شد که بی حرمتی بمعبد مسلمین »
 « و قتل اولاد رسول در نزد مدعیان ایشان هیچ امر قبیح و فعل شنیعی نیست. اگر چه »
 « دولتیان بمسجد حمله نیاوردند ولی بقدری سخت آنجا را محاصره کرده بودند که »
 « کسی نه جرئت داشت و نه اجازه مییافت که آذوقه برای محصورین ببرد. تمام بازار »
 « در تصرف سربازها بود و مردم مأمنی که بدانجا پناهنده شوند در نظر نداشتند ناچار »

« رجوع بعادت قدیمه نمودند؛ یعنی بفکر این شدند که در نقطه‌ای بست اختیار نمایند. »
 « این عادت را ایرانیان از دیرزمان مشروع و مقدس میدانستند و معلوم نیست از چه وقت در ایران رسم شده است. »

« در ۱۸۴۸ میلادی اعیان و بزرگان مملکت ایران از ظلم و ستم حاجی میرزا آقاسی وزیر محمد شاه ملتجی بسفارتین انگلیس و روس شده در آنجا بست نشستند »
 « و عزل او را از شاه‌خواستکار گردیدند. از آنزمان ایرانیانرا عادتتی شد که هر وقت ستم سختی از دولت میدیدند یکی از سفارتخانهای خارجه متحصن میشدند، چنانچه (قبل از محاصره مسجد و رفتن علما بقم) شیخ‌الرئیس که از معاریف و عاظ است »
 « از خوف دولت بسفارت عثمانی پناهنده شد و از آنجا خارج نگردید تا وقتیکه بتوسط سفارت تأمین نامه‌ای از دولت برای او گرفته و در دفتر سفارت ضبط نمودند. خلاصه »
 « مردم چاره را منحصر به پناه بردن یکی از سفارتخانها دیده درنهم ژویه یعنی قبل از کشته شدن سید و گرفتاری واعظ که در یازدهم ژویه رخ داد آقا سید عبدالله »
 « مجتهد که نسبت بسایر مجتهدین صاحب عزمی است راسخ و منزله از گرفتن و رشوه »
 « مکتوبی نزد مستر کرننت دوف شارژدافر سفارت انگلیس فرستاد همراهی عملی و فعلی »
 « آن سفارترا خواهش نمود ولی شارژدافر مزبور در جواب اظهار داشت که سفارت انگلیس بیچوجه حاضر نیست همراهی با خیالات کسانی نماید که رفتار شان برضد حکومت شاه باشد. »

« روز شانزدهم ژویه آقا سید عبدالله در شرف حرکت از تهران مجدداً »
 « به مستر کرننت دوف مکتوبی نوشت بدین مضمون که ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خون ریزی بشود لهذا حرکت با ما کن مقدسه را عازم گشتیم و از آن جناب »
 « متمنی هستیم که در دفع ظلم و تعدی همراهی خود را از مادر بیغ ندارید؛ پس از دو روز »
 « دو نفر در قلعه که ۷ میلی شهر واقع است بسفارت وارد شده استفسار نمودند »
 « که اگر مردم بسفارت پناهنده شوند آیا شارژدافر بایشان اجازه دخول خواهد داد یا آنکه »
 « مانع از ورود آنان خواهد شد. شارژدافر اظهار داشت که امید وارم اقدام باین »

« عمل نشود و یا اینکه بست نشستن و نگهداری و حفاظت بستیان در مملکت ایران »
 « امریست مشروع ولی در صورت اقدام باین کار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه »
 « شما را مانع از دخول شوم. مشارالیه بفوریت وزیر امور خارجه ایرانرا از این »
 « واقعه مستحضر نمود، وزیر امور خارجه کمال امتنانرا حاصل کرد لیکن با وجود »
 « اینکه سفارت اطلاع داد بیچوجه اقدامی در جلوگیری از تحصن نموده نشد. »

« عصر نوزدهم ژویه پنجاه نفر از طلاب و تجار بسفارت آمده شبرا در آنجا »
 « متوقف شدند و بر عده ایشان همه روزه افزوده میگشت تا اینکه در دوم سپتامبر »
 « عده آنها قریب به چهارده هزار نفر رسید. رفتارشان خیلی موافق نظم و ترتیب »
 « بود. حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای ملت بود و کسانیکه »
 « احتمال فساد در حق ایشان میرفت در سفارت و میان خود راه نمیدادند برای حفظ »
 « از آفتاب و بارندگی در سفارت چادرهای بسیار برپا بود و امور شام و نهار متحصنین »
 « چنان نظم و ترتیبی داشت که بیچوجه تغییری در ساعات و مکان آن داده نمیشد. »
 « کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تجار معتبر کفیل بودند. کلنل دو کلاس »
 « اتاشه میلتر مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود با وجودیکه بیچوجه باین کار »
 « احتیاج نبود چه خود متحصنین بیش از بیش رعایت نظم و قانونرا مینمودند. »

« جواب مستدعیات مردم را دولت ارسال و ضمناً از مستر کرننت دوف خواهش نهوده »
 « شد که برای مردم قرائت کند، ولی دستخطهاییکه از طرف دولت صادر میگردد »
 « ملت واقعی بآنها نمیگذاشت و از قبول آن امتناع داشتند. عاقبت چون دولت ملاحظه »
 « کرد که مردم بدستخط متقاعد نمیشوند حاضر شد که ملت جمعی را از میان خود »
 « انتخاب کنند یا بحضور رفته شفاهاً مستدعیات خود را بگویند و در آن باب گفتگو »
 « و مذاکره نمایند. »

« اما متحصنین با کمال ثبات قدم جواب دادند مادامیکه دولت مستدعیات »
 « ایشانرا بموقع قبول نرساند از سفارت خارج نخواهند شد زیرا بهتر از اینجا مأمنی »
 « ندارند و نیز اظهار داشتند که تا شاه استحضار کامل از حالات ملت حاصل نکند »

« در خصوص مستدعیات ایشان جواب مناسب نخواهد داد از طرف شاه به مستر »
 « کرنٹ دوف اظهار شد که بوزیر امور خارجه بگوید مجلسی منعقد نموده در چگونگی »
 « مطالب معروضه ملت رسیدگی و مذاکره شود، اگر چه انعقاد مجلس بروز ۳۰ ژویه »
 « مقرر شد ولی کسی چنین مجلسی را ندید »

« یکی از سرداران که جمعی از افواج تهران سپرده باو بود و طرف اطمینان »
 « و دلگرمی صدر اعظم و وزیر دربار بود بدولت اعلام نمود که سربازان ابواب جمعی »
 « او متعرض مردم نمیشوند و از دخول ایشان بسفارت جلوگیری نمیکنند و چیزی »
 « نمانده است که خودشان نیز بسفارت متحصن شوند، فی الواقع این اعلامی بود خوف »
 « و موجب ترس صدراعظم و وزیر دربار شد ».

« باری درباریان مجبور بتسلیم شدند و ناچار صدراعظم استعفاء داد و عضدالملک »
 « رئیس طایفه قاجار به بقم گسیل شد تا بعلمای متحصنین قم اطلاع بدهد که شاه »
 « مستدعیات ملترا در خصوص مجلس شورای ملی و تأسیس عدالتخانه پذیرفت ».
 « اما اشکال عمده‌ای را که در اینوقت مستر کرنٹ دوف دچار شد همانا سلب »
 « اطمینان مردم بود از وقتی که دولت اعلان اصلاح امور و تنظیم راداد متحصنین سفارت »
 « جواب دادند ما اطمینان بمواعید دولت نداریم و قبول نخواهیم نمود مگر اینکه دولت »
 « انگلستان ضمانت کند و اطمینان کامل بدهد. مستر کرنٹ دوف بر حسب دستور العملی که »
 « از دولت متبوعه خود در دست داشت بمردم اطلاع داد که دولت انگلستان هرگز »
 « ممکن نیست ضمانت نماید ولی من شخصاً میتوانم اطمینان بدهم که دستخطهای »
 « شاه اجرا خواهد شد ».

« خلاصه در این وقت سعی در اتحاد با ملت داشت ولی رؤسا بواسطه مجمل »
 « و مبهم بودن دستخطهای شاه بیچوجه متقاعد نشدند و آنچه را که بدیوارها نصب »
 « کرده بودند مردم یاره و پایمال مینمودند، باز دولت بواسطه سختی کار محتاج بکمک مستر »
 « کرنٹ دوف شد و بمصلحت مشارالیه در خانه وزیر امور خارجه که بتازگی »
 « بجای صدر اعظم مستعفی منصوب شده بود مجلسی مرکب از رجال دولت و امنای »

« ملت منعقد گردید، ولی مستر کرنٹ دوف در گفتگوی ایشان مداخله نمیکرد »
 « مگر وقتی که از او سئوالی میشد. پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی »
 « اتفاق آراء بر این قرار گرفت که فرمانی از شاه در خصوص تأسیس مجلس مبعوثان »
 « وانتخاب و کلای ملت صادر شود. پس از صدور دستخط آنرا بسفارت برده در حضور »
 « متحصنین قرائت شد و مردم با کمال رضایت پذیرفتند. »

« در همان روز قرار شد علما از قم مراجعت نمایند و نیز متحصنین از سفارت »
 « خارج گشتند، عصر روز شانزدهم اوت مهاجرین قم یعنی علما و طلاب وارد تهران »
 « شدند، مردم باستقبال ایشان شتافته از ورود آنها اظهار مسرت و خوشحالی میکردند. »
 « روز هیجدهم اوت در یکی از عمارات جنب قصر سلطنتی يك مجلس عالی که »
 « مقدمه مجلس شورای ملی را ظاهر میساخت منعقد گشت و حاج شیخ محمد واعظ »
 « که در حقیقت گرفتاری او مقدمه آزادی عامه شد بر فراز سکوی مرتفعی ایستاده »
 « و خطبه خواند و مردم را بافتتاح مجلس شورای ملی و انتخاب و کلای ملت بشارت »
 « داد. روز نوزدهم اوت مجتهدین و علمائی که از قم معاودت نموده بودند بملاقات »
 « شاه رفتند، آقای سید عبدالله و آقای سید محمد در حضور طلاب نسبت بشاه دوستانه »
 « و بطور همسری رفتار نمودند و اعلیحضرت شاه خطاب بحاضرین کرده گفت بر »
 « شماست که در خدمتگذاری بمن غفلت نورزید و خاطر ما راهمواره از خود خورسند »
 « و مشعوف سازید ».

« در جواب گفتند در حقیقت نه آنست که خدمت بآن اعلیحضرت خواهیم »
 « نمود بلکه خدمتی است بخویشتن و ملت خود ».

« اما طرفداران استبداد بیچوجه از پیشرفت خیالات خویش مأیوس نبوده »
 « منتظر وقت بودند که مقاصد مفسده خود را در موقع بکار برند و هفته‌ای نگذشت »
 « که از مواعید شاه رفته رفته کاسته شد و در مضامین دستخط تصرفات نمودند بطریقی »
 « که مقصود اصلی که اعطای مشروطه بود از آن مفهوم نیگشت و بعلاوه شاه »
 « بکلی از امضای قانون انتخابات و کلای مجلس شورای ملی امتناع داشت. از این بابت »

• اهالی شهر بی اندازه متغیر گشته دوباره بهیجان آمدند و بمسטר کرنل دوف اطلاع دادند که بواسطه دسایس و حیلی که مشاهده میشود ناگزیر باز باید به سفارت تحصن جست و اگر هم جلو گیری شود بزور بدانجا داخل خواهیم شد. پی از این ، اخطار قریب به ۲۵ نفر از رؤسای ملت بسفارت وارد گشته منزل اختیار کردند ، نزدیک بود دوباره اغتشاش تجدید یابد لهذا مستر کرنل دوف بر حسب دستور و تعلیماتیکه از لندن باو داده شده بود نزد وزیر مختار دولت روس رفته او را دعوت به همراهی نمود ، که متفقاً مطالب را بدولت ایران اظهار داشته دقت رجال دولتر را در اصلاح امور جلب نمایند .

• اما وزیر مختار روس از هر گونه همراهی فعلی با حضور یکدیگر امتناع داشت ، فقط راضی شد که آنچه بیان نامه و یاد داشت فرستاده شود هر دو امضاء کنند و نتیجه های که از اقدامات جدا گانه این دو سفارت بعمل آمد همانا تبعید عین الدوله بود به خراسان ، بامضاء رسیدن قانون انتخابات و حکم شدن بطبع و نشر آن و نیز بولایات حکم رفت ، که قانون انتخابات را انتشار داده فوراً مشغول بانخابات شوند. ولی غالب حکام اعتنائی ، باین امر نکرده و نمیگذاشتند مردم بانخاب پردازند ، بدین واسطه رؤسای اهالی تبریز ، ورشت و مشهد مصمم شدند بقسولگریهای انگلیس رفته بست اختیار کنند .

• مقارن این احوال سیراسپرنیک رایس از لندن وارد تهران گردید . بنابر توصیه ای که باو شده بود بتمام قنسولهای انگلیس مقیم ایران تلگراف نمود که مرد مرا حتی الامکان از دخول به قنسولخانهای خود مانع شوند و ضمناً بطور مخفی بعضی ، بیان نامه های غیر رسمی در خصوص رفع اغتشاشات و اصلاح امور مردم و غیره بدولت ایران ارسال داشت .

• خلاصه متدرجاً انقلابات روی بتخفیف و آرامی نهاده به انتخاب و کلای ولایات شروع نمودند بملاحظه اینکه افتتاح مجلس بتأخیر نیفتد و عاقبتی بمیان نیاید قرار دادند همینکه و کلای تهران انتخاب شوند بدون آنکه منتظر و رود متحصنین سایر ولایات باشند در مجلس نشسته بمذاکرات پردازند .

« اولین جلسه مجلس جدید یعنی شورای ملی بتوسط شخص شاه با حضور علما و رجال دولت و درباریان و سفرای خارجه منعقد گشت . از آنروز ببعده فوری و کلا »
 « مشغول کار شدند و اول کاریکه نمودند دولتر از قبول مساعدت مالیه روس وانگلیس »
 « و قرض کردن از آن دو دولت مانع گردیدند و بسیار سعی داشتند که آنچه را پیشنهاد »
 « دولت مینماید اجرا گردد و بغفلت نگذرانند »

مجلس

« چنانچه مذکور شد در هفتم اکتبر شاه شخصاً مجلس را مفتوح ساخت و در این »
 « وقت اعضای مجلس عبارت بود از شصت و چهار نفر و کلای تهران که طبقات مختلفه ایشانرا »
 « منتخب نمودند و و کلای سایر ولایات پی در پی انتخاب شده بتهران می آمدند و »
 « اینکه تا کنون عده و کلا باتمام نرسیده است بواسطه مسامحه حکام ولایات و ایالات »
 « بوده است ، از این بابت از عده اعضای مقررده مجلس هنوز باقیست طولی نکشید که »
 « مجلس استقلال و قوه خود را ظاهر ساخت و بکلی قرض از روس انگلیس را مانع »
 « بود و میگفتند مالیه ملتر را نباید پیش اجانب بگرو گذاشت . »

« و کلامعجلاً بوضع قوانین پرداخته در تعدیل مالیه مملکت خیلی دقت داشتند »
 « و تهیه سرمایه که مملکت را از استقراض خارجی بی نیاز نماید بتشکیل بانک ملی »
 « دانستند ولی قرار شد تا قانون اساسی نوشته نشود و باهضا نرسد باین گونه کارها »
 « اقدام نکنند لهذا هیئتی معین شد که مواد قانون اساسی را وضع نماید »

« این هیئت بمشورت جمعی که از طرف دولت معین شده بود قانون اساسی »
 « را ترتیب داده تسلیم مجلس کردند . نتیجه اش آنکه بیشتر مجلسیان و عامه مردم »
 « بواسطه بعضی از مواد آن بهیجان آمدند و بکمال آزادی میگفتند رعایت حقوق ملت »
 « نشده بلکه خیانت کرده اند باین واسطه بعضی از و کلای عمدتاً مستعفا دادند (۱) »
 « رؤسای و علما باصلاح کوشیدند بالاخره مابین دولت و مجلس اتحاد رخ نمود و چنانچه »

۱ - استغفای و کلا صحت ندارد هیجان ملت و و کلا در خصوص چند ماده از قانون اساسی و تمویق امضای آن بود که در روز ۱۱ و ۱۳ ذیقعد مشیرالدوله حالی و محتشم السلطنه از طرف ولیعهد بمجلس آمده موادی را که موجب اختلاف واقع شده بود تصفیه نموده و بصفحه شاه رسانیدند .

« معروفست شخص ولیعهد کوشش کرده قانون اساسی را بامضای شاه رسانید و صدر »
 « اعظم آنرا بمجلس آورده قرائت شد و سپس صدای زنده باد شاه بلند گشت ، وجودیکه »
 « مجلس قدرت و نفوذ تامه حاصل کرد ولی از عهده اصلاحات عملی و تنظیم امور »
 « بطور شایسته بر نیامد و همچنین نتوانست که سرمایه کافی جمع کند که بانك ملی »
 « را تشکیل دهد . پس معلوم میشود مملکت نمی تواند چنانچه و کلا عقیده »
 « داشتند بدون استقرار از خارجه اصلاح گردد و کارها در مجرای خویش قرار بگیرد »
 « روسا نجات و حفظ استقلال مملکت را مستلزم و مربوط بتعدیل مالیه میدانستند در »
 « این وقت خیالات ضدیت با خارجه خیلی احساس میشود مجلس ریاست بلژیکیها »
 « را در گمرکات ایراد مینماید و نیز بر بریگاد قزاق تاخت آورده همچنین متعرض سایر »
 « امتیازاتی که بخارجه داده اند می باشد . در این صورت هیچ جای تردید نیست که »
 « بانك شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس بزودی مطرح ایرادات سخت واقع »
 « خواهد شد البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور و اوضاع رعایای خارجه »
 « دچار سختی و اشکالات خواهد گردید .»

چون رشته سخن و | تماشاچی افسانه سرای تنفس بدین جا رسانید گفت ناگزیر
 شدم حال که لباس مدعی العموم را بتن نمودم تاریخچه از طلوع آفتاب
 مشروطیت تا زمان حاضر برای شما با اسناد صحیح شرح دهم و شما خود
 می شنوید و نوشتجات تاریخی را از نظر می گذرانید و می بینید راه مبالغه نمی پیمایم
 اکنون پی میبرید که سر عدم موفقیت ملت ایران چه بوده است و تصدیق می
 کنید مشروطیت و آزادی را ملت ایران از روی میل و رشد ملی نگرفت بلکه بجهاتی
 این میوه لذیذ و مطبوع را از راه دور و ماوراء بحار برای ماهديه وارمغان آوردند ما هم چون
 قیمت واقعی آنرا نمی دانستیم و از رحمت و رنجی که سایر ملل عالم برای وصول آن
 بخود همواره نموده بودند بی خبر بوده و باسانی بدست آوردیم بهمانگونه برایگان از
 دست دادیم و در مدت قریب به سی و هشت سال دچار چندین مطلق العنانی تاریک شدیم
 و اگر با خود قول بدهیم که مطلب را محرمانه نگاه داریم بشما میگویم همانطوریکه

مشروطیت بما هدیه شد در دو بار هم تار و بود این خود سران دشمن آزادی را دیگران
 نظر بمنافع خود بیاد دادند و ما را درین موفقیت همکاری اندک بود .

دوستان من ، امروز سخن را بیایان می رسانم چون محکمه عالی تنفس ممتدی
 داده است فردا داستان مشروطیت را از همین جا که قطع نموده ایم برای شما شروع
 می کنم . شیرین ترین قسمت داستان ما ، انفصال مجلس اول از طرف محمدعلیشاه است
 و می بینید علاقه مندان با آزادی اگر چه کم بوده اند ولی همگی در روزهای اول
 مشروطیت فداکار و از جان گذشته میباشند و بالاخره باتصدیق بانکه ایران میدان زد
 و خورد دو همسایه قوی بوده است این فداکاران هم از موقع به نفع آزادی استفاده
 کرده و بالاخره موفق بسرنگون نمودن بساط ستمگری شده اند و کسانی که فقط بقصد
 استفاده شخصی در این راه قدم نهاده بودند از روی اسناد موجود خبث طینت آنها ظاهر
 و بر شما ها مکشوف خواهد شد .

پس از آنکه جریان استبداد صغیر را برای شما شرح دادم و از آن بخوبی مستحضر
 شدید قرارداد ۱۹۰۷ را از نظر شماها خواهم گذرانم و خواهید دید وقتی انگلستان
 نتوانست در مقابل حریف سیاست خود روسیه مقاومت نماید از يك طرف قدرت را از
 دست دربار ایران خارج و پشتیبانی از حکومت ملی نمود و از طرف دیگر بانعقاد این
 قرارداد تدافعی اقدام کرد و منطقه بی طرفی که در قرارداد ۱۹۰۷ طرفین قائل شده اند
 برای آنستکه مستقیماً باهم تماس نداشته باشند و باز در تلو اسناد مشاهده میکنید که
 پس از بسته شدن مجلس باچه اصراری انگلستان در برانداختن حکومت محمدعلیشاه
 اقدام نموده و با ملیون عملاً کمک کرده است زیرا دربار سلطنتی سیاستی یکطرفه داشته
 و تحت نفوذ مستقیم روسها بوده است .

قائم مقام مدعی العموم سعی میکند که تمام حوادث گذشته را از نظر محکمه عالی
 بگذرانم و سوابق اشخاص را که در روزگار گذشته وکیل و وزیر و صاحب مسندهای مهم
 مملکتی بوده اند معرفی نماید . تا ادعای مدعی العموم مفهوم خود را ظاهر سازد و
 دیگر کسیکه روزی خنجر بیدادگری بدست گرفته بود نتواند خود را منادی آزادی
 قلمداد کند .

پس از قرارداد ۱۹۰۷ از حوادث شرم‌آور اولی‌تیمانوم ۱۹۱۱ آگاه می‌شوید .
 از این روزهای تاریخ هنوز ملت ایران خلاص نشده می‌بیند که جنگ عالمگیر
 ۱۹۱۴ شروع می‌شود مجلس سوم دستخوش سیاست آلمانها گردیده است طلاهای اروپای
 مرکزی قوه جاذبه عجیبی دارد پرنس رویس وزیر مختار آلمان حاکم علی‌الاطلاق می‌شود
 و اسموس و شونمان قونسولهای آلمان خداوند گارهای کوچکی هستند .

در عمارت سفارت آلمان در تهران دلالت‌های حل و عقد معاملات سیاسی که در جزو آنها و کلای
 مجلس سوم هستند دیده می‌شوند و با پرنس رویس جام محبت نوش میکنند و ژاندارمری
 ایران را که ملیونها مخارج آن شده بود شایبش این مهمانی مینمایند . ژاندارمری نابود شد ،
 ژاندارمها و افسران پاکدل آن که در سر هوای خدمتگذاری بمملکت و اطمینان بزمآمداران
 سیاسی خود دارند می‌میرند ولی ناله نمیکنند ، بایکدنیا غرور در سر زمین غرب و مرکز
 ایران باروسهای تزاری مهاجم و در جنوب بانگلیسها در جدال هستند و قصد و غرضی جز
 خدمت بمملکت ندارند دور از زن و فرزند خود در روی برفهای آوج و اسدآباد افتاده
 و بالی خندان بعشق وطن خاک میشوند .

اگر آنها هم چون مدعی‌العموم از اسرار اطاقهای سفارت آلمان در تهران آگاه بودند
 و عاملین بدبخت مهاجرت را دست بسینه بنده وارد آستانه خدمتگذاری پرنس رویس
 دیده بودند و میفهمیدند که: «آن جنگ هم نه به وطن بدنه بهر دین - یا جنگ بهر زر بدو یا
 جنگ زرگری . . . بجای آن لبخندهائیکه در دم مرگ بلب داشتند نفرین بعامل آن
 میفرستادند .

مدعی‌العموم نماینده روزگار است و آن یهودا صفتانیکه فقط محرك آنها مارکهای
 آلمانی بود می‌شناسد و امروز در برابر محکمه قضاوت ملی بنمایندگی مقتولین بیچاره
 این معرکه بر آنها اقامه دعوی مینماید . و در همان حال بکسانیکه ظامراً ازین ورطه خود را
 بکنار گرفته و همان اوان در سواد اعظم ایران رول دیگری را عهده دار بودند اجازه نخواهد
 داد بانقلاب تزویر دوباره عرض وجود نمایند . و در همان حال در برابر اشباح و ارواح مقتولین

و آزادیخواهان واقعی که فقط بسائقه وطن پرستی و علاقمندی بایران کوه و دشت را
 پیمودند و سختیها را تحمل کردند و درین مراحل جان سپردند سر تعظیم فرود می‌آورد .
 مدعی‌العموم میگوید بالاخره باید یکروز این حسابها تصفیه شود و ملت ایران
 آن روز حاکم بر سرنوشت خویش خواهد شد که خدمتگزار را پاداش دهد و خیانتکار را
 مجازات نماید .

بنابر این بر مدعی‌العموم است که سرپوش از روی حقایق بردارد و از نظر محکمه عالی
 اسناد سی و هشت ساله مشروطیت ایران را بگذراند .

پایان جلد اول

اسناد سیاسی از منابع رسمی وزارت خارجه انگلیس

جمعیت تماشاچی بعمارت محکمه هجوم آورده اند ولی بجای آنکه دیگر چشم آنها باطاق محکمه و یا در انتظار ورود متهمین باشد در جستجوی تماشاچی افسانه گومی باشند. معلوم میشود علاقه مندی آنها به استحضار از جریان روزهای مجلس اول بسیار است و میخواهند بدانند چگونه مشروطیت تعطیل شد و مجلس را بستند و وکلاء را محبوس کرده و بچه طریق انجمن هارا متفرق نمودند. چیزی نگذشت که تماشاچی ما با لبخندی بر لب و مقدار زیادی کاغذ و دوسیه از درب عمارت ورود نمود. پس از تعارفات متداوله چنین گفت رفقا چون وظیفه مهمی را عهده دار شده ام برای آنکه مبدا از حقیقت منحرف شوم و یا نکته را فراموش کنم اسناد جمع آوری شده را آوردم و از روی ترتیب برای شما میخوانم البته به تفصیل آن نمی پردازم و آنچه که شما را با گاهی آن حاجت است بسمع شما خواهم رساند شما باید مختصر و کافی از گذشته اطلاع حاصل کنید تا بتوانید چون من به کینه ادعای مدعی العموم بر خرید بدانید چرا ادعای در اطراف پیر مرد کلیشه ساز^۱ و شاگرد ارسطو^۲ بیشتر دور می زند و پیر مرد سالوس و ریاکار^۳ که بوده و چه ها در طی سالیان دراز نموده است.

تماشاچیان همه گوش و ساکت و خاموش بدور افسانه سرا حلقه زدند و او هم دفتری را که به همراه آورد بود گشود و گفت اینک متن اسناد

مکتوب ...

قسمتی از مکتوب دستر مارلینگ بسراودگری (واصله ۲۳ دسامبر)

از طهران بتاريخ ششم دسامبر ۱۹۰۷

اکنون ضعف و بی قدرتی دولت بمنتها درجه رسیده است ولی با وجود این اسباب تعجب است که با موجود بودن قوائیکه همی در تخریب اساس جدید بکار می رود اوضاع مملکت هر چند خوب نیست بدتر نشده است. لیکن ترس آنست که هیچ

(۱) مهد یقلى هدايت مخبر السلطنه (۲) محمد على فروغى ذكاء الملك

(۳) حسن اسفندیاری مجتثم السلطنه

علائم امیدبخشی برای آتیه نتوان بدست آورد غیر از ایران حتی در ممالک منظمه اگر سکنه بر حکومت مرکزی وارد اید البته منتج متلاشی شدن کلیه انتظامات آن خواهد گردید ولی در ایران اقتدار حکومت مرکزی و نیز تسلط و حکمفرمائی در ولایات به قدری بسته بنفوذ اشخاص است که عدم اقتدار مرکز اثری در سستی اقتدارات و سلطه ولایات نخواهد نمود چنانچه در اکثر ولایات دیده میشود که بالنسبه آرامی موجود بوده و آثاری که دلالت بر بحران عظیمی که مملکت دچار آن است ظاهر نمی سازد.

چنانچه مذکور داشتیم نفوذ حکومت مرکزی بکلی از میان رفته و شاهد آن نداشتن قدرتست در امر و تحکم با طاعت حتی در مورد رؤسائیکه تحت اختیار آن واقعند .

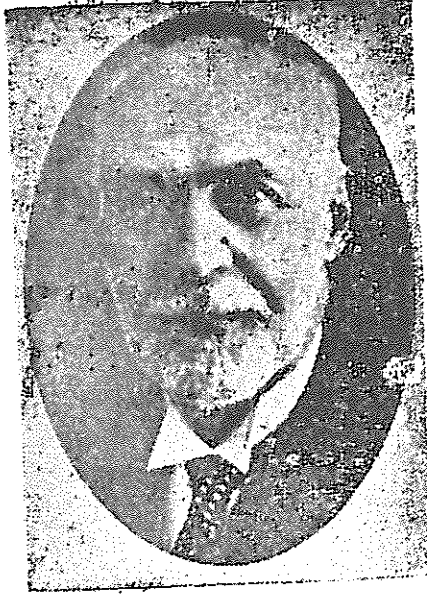
از اینجا میتوان استنباط نمود که چگونه سپهدار مسافرت خود را باستر اباد برای جلوگیری از حملات تراکمه متجاوز از پانزده روز بطول انجام داد و چگونه محتشم السلطنه در عزیمت با رومیه مسامحه میکند و نیز علاء الدوله که بحکومت فارس مقرر شده در حرکت بدانصوب تملل میورزد - و چون این مطالب از مسائل موکده شمرده میشود بایستی از خارج فشار سخت بحکومت وارد آید که در حرکت آنان عجله نماید .

بجمله هنوز ضعف حکومت در قطعات دور دست ایران محقق نشده باشد ولی همینکه بوضوح پیوست آن وقت هیچ چیز باقی نخواهد ماند مگر فقط نفوذ شخصی حکام که جلوگیری از دسایس اغراض اشخاص محلی نموده نگذارند تولید هرج و مرجی شود که نمونه آن اکنون در شیراز موجود است . با اینحال نتیجه ضعف حکومت مرکزی معلوم گردیده و چون دانسته شده است که از تهران تقویتی نخواهد گردید لهذا هیچ کس حاضر نیست در ایالاتی که اغتشاش موجود است و یا احتمال وقوع آن برود تقبل کار برای اعاده و حفظ نظم نماید . شیراز و کرمان و یزد بدون حاکم مانده . در اصفهان نیز الدوله آلت دست آقایان میباشد در ارومیه حاکم را از شهر خارج ساخته اند . در تبریز فرمانفرما با وجود اینکه بانجمن ایالتی موافقت داشت دچار مخاطره تبعید گردیده و یکی دو روز شهر در قبضه اختیار (فدائیان) در آمده بود .

وضعیت اوضاع در هیچ نقطه به بدی شیراز نیست آخرین چاره که حاکم برای تقویت حکومت خویش اندیشید این بود که از طایفه لاریها استمداد بطلبد و بعد چون دانست که از نداشتن استمداد و قوه دیر ملتفت شده است مقام خود را ترک نموده شهر را میدان مبارزه دستجات متخاصمه قوام الملک و معتمد دیوان قرار داد و طبیعتاً اغتشاش بتمام ایالت فارس اثر نموده است و احتمال کلی می رود که آنچه را مستر گراهم از وقوع آن ترس داشت صورت خارجی حاصل کند و موقعیکه ایالات در بهار بنقاط بیلاقی خویش معاودت نمایند اوضاع خیلی بدتر خواهد گردید .

« در سمت جنوب طایفه بهارلو اطراف بندر عباس مشغول تاخت و تاز و »
 « شهر در معرض حمله است . در مرکز ایران کاشان دومین میدان جنگ شدیدی بین »
 « نوکرهای دونفر از اعیان آن شهر واقع گردیده و اجزاء تلگراف خانه هند و اروپا »
 « مدتی گرفتار مخاطره بودند ولیکن همچو بنظر میرسد که کار گذاران ولایتی هیچ »
 « اقدامی در آن خصوص نکرده باشند . در اصفهان آقا نوراله و آقا نجفی که یکدیگر »
 « رابرا درند بفرام آوردن تحریم امتعه اروپائی میکوشند و سه هفته قبل در یزد بیک »
 « نفر تاجر پارسی بقصد هلاکت حمله کردند و حاکم آنجا نتوانسته است برای بانک »
 « شاهنشاهی قراولو مستحفظینی که معمول بوده است حاضر ساخته و در آنجا بگمارد »
 « در قسمت شمالی تاخت و تاز تراکمه حکایات شصت سال قبل را در خاطر تجدید می »
 « دهد ولی هیچگونه اقدام مؤثری در جلوگیری آنها بعمل نیامده . امثال این گونه وقایع »
 « بسیارند . لیکن گمان میکنم آنچه را که بیان نموده ام کافی باشد برای دانستن اینکه »
 « همه جا مقتضیات بی نظمی موجود و حاکم محلی ضعیف است و دولت مرکزی »
 « توانائی آنرا ندارد که حفظ نظم را در آن محل بنماید این مسئله بواسطه رشت و »
 « کردستان ایران که در حال اغتشاش میباشد ثابت میگردد اما چون حکام آن دو ولایت »
 « کافی هستند بالنسبه را پورتهای مساعد از آنجا میرسد . »

« سستی و ضعف حکومت جبهه عمده اش بلاشک بیحالی فطری اعضای آن »
 « است ناصر الملک با این حال از نقطه نظر اهالی مغرب زمین این کابینه از بهترین »



حسین پیرنیا مشیرالدوله



میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی



مخبر السلطنه هدایت



محمد علی فروغی ذکاء الملک

« اشخاص تربیت شده ایرانی انتخاب گردیده ولی با مشکلات عظیمه مصادف شده و «
 « علت عمده خالی بودن خزانه و مخالفت نهانی و آشکار شاه و ضدیت گروه مرتجعین است «
 « بی پولی دولت از مسلمات است. روز دیگر که ناصر الملک را ملاقات کرد ایشان «
 « اظهار داشتند که به هیچ وجه مالیاتی ایصال نگردیده مگر از گمرکات که فوق «
 « العاده ترقی نموده و از عمل کرد تلگراف خانه و مداخل تذکره و اینهم کلیه صرف «
 « مخارج لازمه شده است. و وزرا مشغول مذاکره و گفتگوی طرح نقیضات اصلاح «
 « جمع آوری مالیات و وضع مالیاتهای جدیده میباشند لیکن تمام اینها طبعاً منوط «
 « بداشتن وقت است. پولی نمیرسد که بقشون داده شود تا مأمور استقرار نظم گردند «
 « و بهیچوجه امیدی نیست که باستقراض داخلی موفق شوند و ترس آن است که اگر «
 « پولی فراهم آید دولت با این اوضاع حاضره نتواند بمصارف مفیده برساند. «
 « دومین عایق یعنی ضدیت شاه یحتمل در انظار ایرانیان اشکالی خوفناکتر «
 « از احتیاج بی پول باشد. هیئت دولت و رؤسای ملت هیچگونه وسایل مسالمت آمیزی «
 « نمی بینند که بدان واسطه قوای او را ضعیف ساخته دستش را در کار تخریب «
 « کوتاه دارند. «
 « پولی که شاه صرف اجرای دسایس خویش مینماید معلوم نیست از چه «
 « محل بچنگ میآورد. احتمال قوی میرود که تدارک آن را برخی از منتسین «
 « وی و نیز مرتجعینی که در ماه سپتامبر گذشته از طریق تدلیس خواهان و طرف دار «
 « تجدید شده بودند می کنند. «

قسمتی از مکتوب مستر مارلینک بسراد وارد گری (واصله ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷)

از تهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

« باکمال افتخار وقایع ماهیانه ایران را که در ظرف چهار هفته گذشته «

« اتفاق افتاده اینک موافق معمول ارسال میدارم و مذاکرات مجلس نیز در ضمن خلاصه «

« واقعات سمت ذکر خواهد یافت «

ضمیمه مکتوب مستر مارلینک بسرادواردگری

تهران

مجلس ملی

« مجلس مخالفت شاه و کارکنان ویرادر ماه دسامبر درك و بشدت احساس نموده و در »
 « این موضوع چنانچه در خلاصه مذاکرات سابق ان اشارت شد باکمال حرارت بسی »
 « مذاکرات جریان یافت - این بحران که در پانزدهم دسامبر بمعرض شهود آمد »
 « همانا از اصرار مجلس در تبعید سعد الدوله و امیر بهادر جنگ دو کارکنان »
 « مرتجع شاه ناشی گردید و مظفریتی که نصیب مجلس شد بیشتر بواسطه انجمنها »
 « بود که باقوت اسلحه از آن حمایت نمودند »

« مذاکرات مجلس که جلسات متوالیا انعقاد یافت محتاج به راپورت »
 « جداگانه نیست عمده آن مذاکرات راجع بحمله ناکهانی شاه بود و کابینه جدید »
 « را که فقط سه نفر از اعضای آن تغییر یافتند یعنی نظام السلطنه بجای ناصر الملك و »
 « ظفر السلطنه بوزارت جنگ قائم مقام بوزارت گمرکات و تجارت عاقبت مجلس تصویب »
 « نمود ولی در جلسه سی و یکم ماه دسامبر راجع بحوادث جدید بطور تحقیر مورد »
 « استیضاحات و کلا گردیدند حالیه موقع مجلس شاید از سابق قوی تر شده باشد »

کابینه جدید

وزیر مالیه و رئیس الوزرا	نظام السلطنه
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر عدلیه	مخبر السلطنه
وزیر معادن و فواید عامه	صنیع الدوله
وزیر تجارت و گمرکات	قائم مقام
وزیر داخله	آصف الدوله

امضاء جی - پی - چرچیل
 منشی شرقی

قسمتی از مکتوب مستر مارلینک به سردار دگری - (وصال ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷)

از تهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

« در سیزدهم ماه جاری که ناصرالملک را ملاقات نمودم اظهارات ایشان »
 « حاکی بود که روابط هیئت دولت باشاه مجدداً باعث اضطراب و تشویش خاطر »
 « گردیده لیکن دلایلی ذکر نمودند تا بدان واسطه وقوع يك بحران سخت را »
 « پیش بینی توانم نمود. »

« روز سه شنبه در مسجد سپهسالار واقع در جنب عمارت پارلمان جمعیت »
 « کثیری فراهم آمده و ملک المتکلمین و سایر ناطقین طرف دار ملت نقطه‌های مهیج »
 « نموده شاه را تهدید و اعمالش را تقیح می‌کردند. ضمناً عزل و تبعید سعیدالدوله و »
 « امیر بهادر جنگ را خواستار بودند نطقها و موعظه‌ها که همه با شدت و حرارت »
 « ممزوج بود چندان نتیجه نبخشید و روزیک شنبه نزدیک ظهر بسفارت خبر رسید »
 « که عملاً قریب يك اغتشاش عظیمی بروز خواهد نمود آنگاه شنیدیم که شاه قوه مضبوطی »
 « مرکب از فوج امیر بهادر و غلام های کشیک خانه. قاطر چیان و ساربانها فراهم »
 « آورده و در میدان توپخانه ایشان را جاداده است و آنان برای حمله مجلس تصمیم »
 « عزم نموده‌اند و هم شنیدیم که مشروطه طلبان همگی مترصدند بسفارت خانه متحصن »
 « شوند و از تحقیقاتی که فوراً بعمل آمد معلوم شد قسمت اول راپورت صحیح »
 « بوده و صورت وقوع دارد و من در های سفارت خانه را امر به بستن نمودم و »
 « بهردری یکنفر غلام گماشتم و توصیه کردم که هر گاه مردم بخوانند بدانجا داخل »
 « شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاده »

« تمام صبح را مجلس منعقد بود و سعی مینمودند که علاءالدوله و ظل السلطان »

« را که هر دو در آنجا حضور داشتند به بردن پیغام به نزد شاه و ادار نمایند ولی هر دو »
 « از پذیرفتن تکلیف مجلس امتناع ورزیدند و ظل السلطان بطور مزاح سرزنش »
 « آمیز اظهار داشت که شاید نایب السلطنه (کامران میرزا) راضی شود که این »

« ماموریت را در عهده گیرد. »

« علاءالدوله که شاه احضارش فرموده بود در ساعت سه عازم دربار گردید »
 « و معجلاً و یراتحت الحفظ با برادرش معین الدوله بکربلا تبعید نمودند هیچانی با »
 « منتهای و حشیگری در دربار سلطنت که در اینجا کلنل لیاخوف و یکی دیگر از »
 « صاحب منصبان بریکادقزاق بادسته از قزاقها نیز حضور داشتند مشتعل بود و اشخاص »
 « مسلح در تمام عمارات دربار مجتمع بودند. »

« رفتار با علاءالدوله باعث وحشت و اضطراب مجلسیان گردیده و در ساعت »
 « پنج مصمم شدند هیئتی را که شاه برای صبح دیگر خواسته بود همان ساعت بدربار »
 « سلطنت اعزام دارند و جلسه مجلس را تا مراجعت ایشان از نزد شاه امتداد بدهند »
 « معین آن هیئت شرفیاب نگردید و اعضای مجلس پس از اصغای گرفتاری »
 « ناصرالملک با کمال عجله بمنازل خود شتافتند. »

« شاه وزرا را بدربار سلطنت طلبید و ناصرالملک را که ابتدا ورود نمود »
 « در تحت قید درآورد یکی از منسوبین ناصرالملک موسوم بافتخارالتجار و نیز »
 « نوکرش که در معیت وی بدربار رفته بود اخبار حملات ناگهانی شاه را در ساعت »
 « شش و نیم بمن رسانیدند و نوکر ناصرالملک اظهار داشت هم چنانکه با آقای خود »
 « میرفتم آهسته بمن گفت بسفارت اطلاع بده که مراد ساعت ده بقتل خواهند رسانید »
 « این دو نفر با حال اضطراب و توحش از من تمنا مینمودند که فوراً کسی را از طرف »
 « سفارت برای استخلاص ناصرالملک گسیل دارم استحضار از خیالات چند ساعت »
 « قبل شاه مشهود ساخت که ناصرالملک به خاطر ده چار آمده است و من فوراً مستر »
 « چرچیل را برای تحصیل تامین حیات آنجناب بدربار فرستادم و نیز گفتم که اگر تامین »
 « ندهند من خود برای وصول آن بدربار خواهم آمد وزیر مختار روس را از اقدامات خویش »
 « در این خصوص مستحضر نمودم. »

« مستر چرچیل که بدربار وارد شد ناصرالملک را در يك اطاقی محبوس »
 « یافت در صورتیکه سایر وزرا در اطاق دیگر مجتمع بوده و معنادر تحت مراقبت »

« امیربهدار جنگ نیز محبوس بودند خبر ماموریت مستر چرچیل ایشانرا قوت
 « بخشید ولی برعکس باعث اضطراب و تشویش مستحفظین آنها گردید پس از اندکی
 « مستر چرچیل حضور شاه پذیرفته شد و آن اعلیحضرترا در صدر و ذیل صحن
 « یکی از عمارات باکمال و جد و بشاشت گردش کنان یافت شاه اظهار فرمودند
 « هیچ گونه قصدی درایذاء ناصرالملک منظور نبوده و بهر جا که بخواهد میتواند
 « باکمال آزادی عزیمت نماید و همچنین درباره وزرا مقصودی نداشته‌ام و مکرر
 « میفرمودند ترسیده‌اند، ترسیده‌اند.»

« مستر چرچیل از حضور شاه باطایقه وزرا درانجا جمع بودند مراجعت
 نمود و اندکی بعد ناصرالملک نیز بدانجا وارد گردید بالاخره دستخطی از شاه
 رسید مبنی بر اینکه آن اعلیحضرت از ناصرالملک راضی بوده و استعفاى او از موقع
 وزارت پذیرفته شده و آزاد است بهر جا که میل داشته باشد عزیمت نماید پس از
 آن هیئت وزرا مجتمعاً دربار خارج و ناصرالملک با معیت یکنفر غلام سفارت
 که مستر چرچیل همراه وی روانه نموده بود در ساعت هفت و نیم بخانه خویش وارد
 گردید حل اینکه ناصرالملک بمخاطره نزدیک بوده و یا خطری نداشته خالی از
 اشکال نیست ولی اوضاع دربار در نظر مستر چرچیل چنین حکایت مینمود که
 « با ناصرالملک و سایر وزرا باخشونت رفتار شده و ترس ناصرالملک از اینرو معلوم
 میشود که از من خواهش نمود دکتر نلیکان را بعنوان طبابت و پرستاری همراه
 وی تارشت اعزام دارم چنانچه در سنه ۱۸۹۷ دکتر اسکلی را با اتابک مرحوم
 بقم روانه نمودیم. جواب دادم من فعلاً نمیتوانم اقدام باین کار نمایم لکن برئیس
 « غلام های سفارت اجازه دادم که شیرادر منزل ایشان متوقف گردد و نیز مقرر
 « داشتم دو نفر غلام همراه آن جناب تارشت بروند و صبح دوشنبه اول طلوع آفتاب
 « حرکت فرمودند انجمنهای ولایتی قزوین و رشت سعی داشتند که جناب
 « ایشانرا بمعادوت تهران مایل گردانند ولی در عزیمت بارو باجداً ایستادگی داشتند
 « و روز بیست و چهارم بجانب باکو و بطروفسکی حرکت نمودند مستر راینو »

« رئیس بانک شاهنشاهی یکنفر از غلامهای مستخدم بانک را در خدمت آن جناب تا
 « باکور وانه داشت روز سی‌ام ماه بوبینه وارد گردیدند و اراده دارند از آنجا
 « بانکستان عازم شوند .»

« حال برگردیم بشرح وقایع اتفاقیه تهران . هیچ شکی نیست که شب دوشنبه
 « اعلیحضرت شاه خود را بمقاصد خویش موفق میدانست هیئت وزرا منحل اعضای
 « مجلس بواسطه گرفتاری ناصرالملک و علاءالدوله ترسیده و متفرق گشتند از
 « انجمنهای سیاسی که یگانه پشتیبان مجلس بودند اظهار احساساتی نشد قشون شاه
 « موجبات بیم و هراس اهالی شهر را فراهم نموده چیزیکه برای تکمیل (کودتا)
 « حمله پلٹیکی شاه باقی مانده همانا تصرف بهارستان و مسجد سپهسالار و دستگیر
 « نمودن عدّه از قائمین ملت بودولی یا بواسطه اینکه اقدامات خود را مکفی دانسته
 « و یا بجهت عدم جرئت دیگر اقدامی از وی بظهور نرسید و مضمون اینست که
 « اقدامات سفارت در خصوص ناصرالملک نیز در اوضاع بی‌اثر نبوده و بنابراین فرجه
 « برای مشروطه طلبان بدست آمد . صبح دیگر که مجلس بطور معمول انعقاد یافت
 « اسباب حیرت عامه گردید و اندیشهای سیاسی راهموقعی بدست آمده مجدداً قوت قلب
 « و تجرى حاصل نمودند .»

« در ظرف آنروز جمعیت کثیری از مردم باغ بهارستان و مسجد سپهسالار
 « را که در جنب آن واقع است فرا گرفته و اعضای مسلح انجمنها رفته رفته بفرز
 « بامهای مجلس و مسجد برآمده و سایر نقاط سرکوپ را بحیاطه تصرف در آوردند و از
 « قراریکه معروف بود تا اواخر آن روز سه هزار نفر تفنگچی برای مدافعه و حفظ
 « مجلس حاضر گردیدند همان روز از طرفداران مجلس در دو موقع نزد من آمده
 « استفسار نمودند که آیا سفارت از طریقى ممکن است باتجدد طلبان کمک و همراهی
 « نماید ؟ . من بطور واضح جواب دادم که هیچ گاه در این گونه اوضاع دخالتی نخواهم
 « نمود و هر قدر بتوانم سعی مینمایم که نگذارم سفارترا مجبور بمداخله گردانند . آن
 « دو نفری که بملاقات من آمده بودند اظهار داشتند که حزب آنها بمهاجمه اقدام
 « نخواهند نمود و هر گاه بایشان حمله شود تا بآخر بمدافعه خواهند پرداخت .»

« شب آرامی در گذشت هر چند مانند شبهای قبل چند تیری در میدان »
 « توپخانه و اطراف آن شلیک شد یکعده مختصری از اشخاص مسلح برای حراست و »
 « حفظ مجلس متوقف گردید . قزاق در کوچه‌ها پاسبانی و گردش مینمود . صبح سه‌شنبه »
 « ۱۷ همین ماه عده از اهالی ساکن در مرتع رمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین »
 « واقع است بشهر آورده و در گوشه غربی میدان توپخانه جای دادند . برای آنها »
 « چادر ها برافراشته خوراک و مسکراتشان را مهیا ساختند و دسته‌ها از قزاقها با چند عراده »
 « توپ در جنب آنها قرار گرفتند . »

« برخی از آن اشرار در اواسط روز از آنجا رفتند ولی در اواخر روز مجدداً »
 « بر جمعیت آنها افزوده گردید تعداد چادرها بیشتر شد دو نفر را در آنروز بقتل »
 « رسانیده و بچند نفر دیگر حمله آوردند . چون ادارات تلگرافخانه ایرانیرا شاه مسدود »
 « و مخابرات را غدن داشته بود بعضی از رؤسای ملاها و روحانیین از من تمنانمودند »
 « یک رشته تلگرافاتی باسیم انگلیس مخابره نمایند و میخواستند باین تلگرافات علمای »
 « تمام شهر های بزرگ ایران و کربلا و نجف را از وضعیت تهران مستحضر دارند . »
 « من از پذیرفتن درخواست آنها امتناع ورزیدم چنانچه مستر بارگر رئیس تلگرافخانه »
 « هند و اروپا نیز تقاضای آنها را در این خصوص پذیرفت . »

« مکتوبی از طرف مجلس بسفارت و سایر مامورین فرستاده شد مشعر بر »
 « تذکار کوشش مردم در رهائی یافتن از ظلم و استبداد و شاهد خواستن ما را در حقانیت »
 « منظور خود و تمنای مساعدت در نیل به آزادی تمام صبح را مجلس منعقد و در موضوع »
 « تقاضاهاییکه بایستی از شاه بشود مشغول مذاکره بوده و بعد از ظهر هیئتی را انتخاب »
 « نمود که حضور آن اعلیحضرت تشریف یافته قبول مطالب ذیل را درخواست نماید . »

۱ - عزل سعدالدوله

۲ - قراردادن امیربهادر را در تحت اوامر وزیر جنگ

۳ - داخل ساختن بریگاد قزاق را در جزو وزارت جنگ

۴ - قسم یاد کردن شاه در حضور مجلس برای رعایت قانون اساسی

۵ - تنبیه آن کسانی که بطرف مجلس شلیک کرده بودند

۶ - تشکیل دو یست نفر گارد ملی برای حراست مجلس

« بعد از ظهر که بسفارت روس میرفتم از جلو مجلس گذشته فقط يك صد »
 « نفری در حوالی آن متوقف دیدم و نیز عده مختصری از تفنگچیان بالای بامهای عمارات »
 « اطراف مشاهده کردم . بعضی از دکاکین جنب مجلس باز بود و چون از عده ورامینی »
 « ها که در توپخانه اجتماع کرده بودند کاسته شده بود چنین بنظر می آمد که اوضاع »
 « بهبودی حاصل کرده و بملاحظه تقاضاییکه مجلس از شاه نموده بود تا اندازه در اوضاع »
 « اثر بخشید . »

« جوابهای شاه مانند همیشه مبنی بر همراهی بود ولی مراجعت ناصرالملک »
 « و علاء الدوله را که قبلا در خواست شده بود پذیرفت . جلسه مجلس امتداد یافت »
 « جمعیت اطراف مجلس رو باز یاد نهاد تا اینکه عده مردمان مسلح به شش الی هفت »
 « هزار بالغ گردید . هم در این حال حامیان شاه در ازدیاد عده خود کوشش داشته »
 « تا آنکه عده آنها در میدان توپخانه بهزار و پانصد نفر رسید . رؤسای مشروطه »
 « طلبان از جان خود ایمن نبودند عده قلیلی از آنها در منازل خود شبها را بسر می »
 « بردند مابقی اوقات خود را در مجلس و اطراف آن صرف مینمودند روز دیگر اوضاع »
 « بدون تغییر باقی بود باینکه معلوم بود تقاضای شاه در خصوص تبعید چهار پنج نفر »
 « و کلای طراز اول هرگز پذیرفته نمیشود معینا مذاکرات ما بین مجلس و شاه در »
 « حالت جریان بود . »

« روز سه‌شنبه چون رؤسای ملت مقام خود را در حالت ایمنی یافتند اتباع خود »
 « را بترك بهارستان ترغیب مینمودند و اظهار میداشتند بقول و اطمینانی که شاه داده »
 « اعتماد دارند که دیگر برضده مجلس و مخالفت قیام نخواهد نمود با وجود این صحن »
 « مسجد مجاور مجلس را هنوز مردم در قبضه داشتند »

« و از طرف اشخاصیکه در میدان توپخانه متوقف بودند بقصد اینکه آتش فتنه »
 « را مشتعل دارند دو مرتبه اسباب انقلاب را فراهم آوردند در اواخر همان روز از »

« رشت و قزوین و تبریز تلگراف طرفداری از مشروطیت و جنبش عمومی مخبره گردید »
 « در صورتیکه انجمن تبریز اعلان نموده بود که شاه را باید معزول نمود - روز جمعه »
 « چادر های اشرار که روز سابق برچیده شده بود مجدداً برپا گردید. تلگرافات دیگر که »
 « شاه را با عزل و باقتل تهدید مینمود از ایالات دیگر مخبره گردید و در اواخر روز »
 « هر چند فریقین در تمام روز آرام بودند و یک هیئت وزرائی باینکه واقعیت نداشت »
 « صورتاً تشکیل یافت. اوضاع عموماً مانند همیشه ناگوار بود. هنگام عصر خواهرزاده »
 « سعدالدوله موسوم به محمود خان بملاقات من آمده و خواهش نمود مکتوبی بمضمون »
 « اینکه سعدالدوله در حمایت دولت انگلیس است بشاه بنگارم این خواهش نظر باین بود »
 « در ۱۹۰۶ و قتیکه سعدالدوله به قنصلگری دولت فخریه مقیم یزد پناهنده گردید »
 « سفارت اعلیحضرتی از هیئت دولت شاه متوفی امنیت جانی برای وی تحصیل کرد »
 « من از پذیرفتن این خواهش امتناع نمودم روز دیگر یعنی ۲۱ ماه جاری هم چه »
 « معروف بود که شاه تمام مستدعیات مجلس را پذیرفته و کابینه جدید تشکیل یافته باز »
 « در وضعیت امور چندان بهبودی مشهود نبود. مردم از افراد کابینه رضایت نداشته »
 « و اقوال شاه را صدق نمیدانستند علامات افسردگی در دربار سلطنت ظاهر و هویدا »
 « بود و شاه بواسطه اتحاد ظل السلطان با مشروطه طلبان قویاً مضطرب و از این روی »
 « بغتته حضرت والا را امر نمود که ایران را ترک کند »

« ظل السلطان بهرام میرزا بسرخود را برای درخواست حمایت فوراً بسفارت »
 « روانه داشت ولی بواسطه سابقه اطلاع از اینکه ظل السلطان اسلحه و بلکه پول »
 « بانجمنها فرستاده و پسرانش مسلح در بهارستان حاضر بوده اند از روی گرمی از »
 « وی پذیرائی نکرده و خاطر نشان نمودم که پدرش باید به مکانیب مختلفه »
 « دولت انگلیس راجع بموضوع حمایت که در موقع لزوم میتواند منتظر بشود »
 « مراجعه نماید »

« روز یکشنبه در ساعت ۱۱ چنانکه از پیش ترتیب داده شده بود مسیو »
 « دوهار تویک و من حضور شاه شرفیاب شدیم مسیو دوهار تویک اوضاع را بطور واضح »

« بیان نموده و از اعلیحضرت شهریاری مستدعی شد که اطمینان کامل بدهد بعدها »
 « نسبت بمشروطیت اظهار ضدیت نماید آن اعلیحضرت در جواب فرمودند من هرگز »
 « مخالفتی با پارلمان ندارم و اظهار داشت قانون اساسی که من خود امضا کرده و بصره »
 « پدرم موشح داشته‌ام چگونه از آن تخلف میورزم و من مایلم انجمنهایی که بمن و »
 « خانواده من تهمتها بسته و هتک احترام می‌نمایند و آشکارا مشغول شرارت »
 « هستند بر چیده شود. »

« معروض داشتم اطمینان و قول آن اعلیحضرت که قصد مخالفت با مجلس »
 « نداشته و در راه خوشبختی مملکت خواهد کوشید ما را خشنود ساخت این »
 « تشرف در مدت کمتر از یک ربع ساعت صورت وقوع یافت و در ساعت سه من و »
 « مسیو دوهار تویک بملاقات ظل السلطان رفته و مقصود خودمانرا از این ملاقات با »
 « نظریات دیگر که راجع بآن والا حضرت بود اظهار داشتیم »

« در این حال اوضاع عمومی بیشتر تهدید امیز گردید انجمن تبریز »
 « بمنعکس داشتن و نشر عقیده خود در عزل شاه موفقیت حاصل نمود و شهرهای بزرگ »
 « که احساسات مشروطیت در آن نقاط ریشه‌های خود را گسترانیده بود مظهر هیجان »
 « شدید شدند. »

« از شیراز، و اصفهان، کرمان، قزوین، مشهد، و رشت تلگرافاتی مخبره »
 « شد مشعر بر این که ما حاضریم قوای مسلحه خودمان را بتهران اعزام داریم و »
 « این اظهار احساسات بر ضد شاه بسایر ولایات سرایت نمود عدم رضایت عامه از »
 « کابینه جدید که دوسه نفر آنها مظنون بودند باینکه آیا با مشروطیت موافقت خواهند »
 « کرد یا نه مشهود و نیز هیجان مردم برای تنبیه رؤسای اشرار اتصالاً رو باز داد »
 « مینهاد اگرچه در میدان توپخانه کسی باقی نماند بالعکس بهارستان و مسجد »
 « سپهسالار بر جمعیت خود افزود و در آن شب صدای شلیک تفنگ نسبت بشبهای »
 « قبل کمتر شنیده شد. »

« صبح روز سه شنبه شهر را مانند همیشه در حالت آرامی یافتیم جز اینکه »

« هنوز جمعیت در مجلس و مسجد سپهسالار بحالت سابق باقی بوده و بازارها تعطیل »
 « و مجلس منتهای جدیت را در ترغیب متفرق نمودن انجمنها مبذول داشت. در اواسط »
 « روز معلوم شد مشروطه خواهان چون احساس نموده اند غلبه با ایشان »
 « بوده مایل شده اند که مظفریت خود را بدرجه کمال رسانند لذا مستحفظین آذربایجانی »
 « شاه را آشکارا تهدید نمودند که هرگاه دست از محافظت و همراهی شاه برندارند »
 « زنها و اطفال ایشان گرفتار زحمت خواهند شد. و بریکاد قزاق نیز در هوا خواهی »
 « شاه مورد تهدید گردید در عزل و قتل شاه علناً دلایل ذکر میکردند. درباریان »
 « باعلی درجه افسرده خاطر بودند شاه از جان خویش در خوف و هراس بود اتباع و ملازمانش »
 « از وی کناره نمودند و از هر طرف گفته میشد که آن اعلیحضرت بیش از یک هفته »
 « زنده نخواهد ماند. »

« بعد از ظهر بملاقات وزیر مختار روس رفته و مدتی در خصوص اوضاع به »
 « مذاکره پرداختیم و چنین دانستیم که فعلاً نگاهداری شاه در سریر سلطنت خیلی بجا »
 « و مهم شمرده میشود زیرا ظاهراً موقع ایرانرا برای ممانعت از ابتلای بهرج و مرج »
 « شدیدتر از این فقط به بقای او احساس کردیم. اگر وی معزول گردد محتمل است که »
 « نیابت سلطنت مدتها بطول انجامد. و تمام ایرانیان بیغرض متفقند بر اینکه آنوقت یک »
 « مجلس نیابت سلطنت بدون اختیاری مانند مجالس جمهوری تشکیل خواهد یافت ولی »
 « بواسطه رقابت و اغراض شخصی اقدام بیک چنین عملی البته هرج و مرج سختی را با »
 « تشکیل یک حکومتی ضعیفتر از دولت حالیه نتیجه بخشیده که دیگر امیدی »
 « نخواهد بود. »

« پس اگر دولت مشروطه بخواند اقدام صحیحی بکند بهترین موقع مظفریت »
 « آن با داشتن پادشاهی است که تکالیف آنرا قبلاً باو تعلیم داده باشند. »
 « بنا براین چیزی که اکنون اهمیت خواهد داشت نگاهداری شاه است. »
 « لیکن در این خصوص کاری از ما ساخته نخواهد شد زیرا با یک عده قلیلی که بسفارتین »
 « اتصال دارند سعی در حفظ شاه منتهای حماقت است. بعلاوه تا وقتیکه وزیری موجود »

« نیست و تا مدتی که مجلس و اداره حکومتی در قبضه اقتدار انجمنهای شورش طلب »
 « است هیچگونه نفوذ و قدرتی ابدأ پیشرفت نخواهد نمود. »
 « اواخر همان روز سعدالدوله از دربار سلطنتی که تا سه چهار روز قبل در »
 « آنجا توقف داشت خارج شده و در سفارت هلند (متحصن) گردید. »

« روز عید مسیح و دو روز بعد از آن احوال جاریه بسکوت و آرامی گذشت »
 « با اینکه از عده جمعیت اطراف عمارت مجلس و مسجد سپهسالار کاسته نشده بود شاه »
 « که قول داده بود اشخاصی را که در روز ۱۶ بسمت بهارستان شلیک کرده و مرتکب »
 « بعضی تجاوزات در شهر شده بودند مجازات بدهد هیچ گونه اقدامی نکرده و بعهد »
 « خویش که قرار داده بود در مجلس حاضر گشته باقرآن قسم یاد کند ایفا ننمود. »
 « روز جمعه ۲۷ عده از طلاب بریاست شیخ فضل اله که از همانوقت مطرود »

« مجتهدین بزرگ و علمای عمده کربلا شده بود و نیز سید علی یزدی^۱ که یکی از فراهم »
 « آورندگان طرف دارهای شاه شناخته میشد بمسجد مروی واقع در مشرق عمارات »
 « سلطنتی (تحصن) یافتند و برخی از اشرار که یکی از شروط با شاه تنبیه آنها بود »
 « نیز در معیت آنها بدانجا پناهنده شدند. »

« جمعی از طلاب در شب یکشنبه سعی داشتند که بسفارت روس متحصن »
 « شوند ولی از ورود ممنوع آمدند و روز یک شنبه کوشش مینمودند که بسفارت عثمانی »
 « ملتجی شوند و بسیاری از آنها تا روز ۳۱ ماه در اطراف آن سفارتخانه باقی بودند. »
 « شاه از روز عید میلاد مسیح از اندرون (عمارات داخلی) بیرون نیامد و در »
 « دو موقع که وزیر مختار هلند تمنای شرفیابی حضور آن اعلیحضرت را در موضوع »
 « تحصن سعدالدوله بسفارت هلند نموده بود متعذر بکسالت گردید خیلی اشکال داشت »
 « در این که طریقه بدست آورد که بدان واسطه مجلس را بقولیکه شاه داده بود متقاعد ساخت »
 « و معیناً روز جمعه مشیرالدوله لایحه مبهمی بمسیو دوهارتویک فرستاد که از آن »
 « روز هر یک از سفارتین (روس و انگلیس) مکتوبی جداگانه بر رئیس مجلس ارسال »

۱ - این سید علی یزدی پدر سیدضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد است.

« دارند و ما همانرا اساس قرار داده مراسم بزبان فرانسه نوشته و روز یکشنبه نزد
 « آن جناب فرستادیم جناب ایشان مختصر تغییراتی که مانیز تصدیق آنرا کردیم به
 « آن داده مجدداً اعاده نمودند و بعد از ظهر یکشنبه ارسال داشتیم »
 « آنرا که من خود نوشته بودم سوادش را با کمال افتخار لفاً تقدیم میدارم »
 « اگر چه هنوز در مجلس قرائت نشده لیکن مشیرالدوله اطمینان داده است که عایق
 « و مانعی در قرائت آنها پیش نخواهد آمد . »
 « پس از تبادل نظریات وزیر مختار دولت روس و شارژدافر دولت بریطانیا
 « راجع باقدمات بر طرف ساختن مخاطرات اوضاع کنونی نتیجه چنین حاصل گردید
 « که :
 « ۱ - اعلیحضرت قدر قدرت باید همیشه با مجلس ملی متحداً در کارها اقدام
 « فرموده و در فکر اصلاح مملکت باشند و هیچوقت متشبث باقدماتیکه مخرب
 « اساس مشروطیت است نشوند .
 « ۲ - حسیات وطن پرستانه شاه را به مجلس اطلاع داده بطوریکه بعدها مشاجرات
 « ما بین ملت و دولت اتفاق نیافتد و بیکدیگر اعتماد نمایند و پس از آنکه مجلس
 « اطمینان یافت آنوقت میتواند خود را از حمایت و حراست انجمنهای شورش طلبی
 « که هیچگونه مسئولیتی در اعمال حکومت نداشته و مملکت را دوچار هلاکت و
 « مخاطره مینمایند و دوروز قبل یکی از آنها موسوم بانجمن آذربایجان جسارت
 « ورزیده ورقه در خصوص عزل شاه اشاعت داد مستغنی سازد .
 « ۳ - و باید بظل السلطان اکیداً خاطر نشان نمود خطیکه در اشغال سریر
 « سلطنت بتازگی تعقیب مینماید تصویرست باطل و نیز استفاده از شورانیدن مردم
 « خیالیست خام .
 « نمایندگان روس انگلیس علاوه بر پیشنهادهایی که بشاه تقدیم داشته اند
 « مصمم شده اند که نزد ظل السلطان رفته او را از خطرات رفتار و خیالاتیکه مخالف
 « قول خود که در موقع درخواست حمایت از سفارتین داده بود آگاه سازند . »

« چون دولتین روس وانگلیس قول داده اند که ولایت عهد را در خانواده
 « پادشاه حاضر بشناسند لهذا نمیتوانند سلوک و رفتار آن والا حضرت را شایسته بدانند
 « و بایستی مخاطره حرکاتشرا بوی بفهمانند . »

مراسله مستر مارلینگ بر رئیس مجلس

تهران مورخه سی ام دسامبر ۱۹۰۷

« جناب رئیس مشروحه مورخه ۱۱ ذیقعه که از طرف مجلس راجع به حوادث و وقایع
 « این چند روز اخیر بود واصل گردید .
 « از مقاصد حسنه مجلس با کمال وجد مستحضر گردیدم .
 « کسانی که از روی صداقت کمال موافقت و همراهی را با ایران دارند
 « مخصوصاً سفارت فخمیه انگلیس که مایل به ترقی و خوشبختی این مملکت است
 « منتظرند این بی نظمیها بزودی خاتمه پذیر شود - و از طریق احساسات انسان دوستی
 « سعی بوده اند که اوضاع اسف انگیز چند روز اخیر را آرامی حاصل آید بنا بر این
 « مایل شده اند که اعلیحضرت شاهنشاهی را از نتیجه وخیمه يك چنین اوضاع مغشوشه
 « مسبوق سازند .
 « لهذا از راه دوستی من خود اطمینان میدهم که حسیات اعلیحضرت شاه
 « در خصوص پارلمنت با آرزوهای مادر سعادت این مملکت مطابقت تامه دارد و شخصاً
 « آن اعلیحضرت مرا از عزم ثابت خود مطلع ساختند که با مراعات اصول مشروطیت
 « و موافقت مجلس ملی مواد قانون اساسی را معجری دارند . من یقین دارم که آن
 « اعلیحضرت در آتیه بر خلاف قسم و قولیکه بمجلس ملی داده است اقدامی
 « نخواهند فرمود .
 « در این موقع که اتحاد ما بین دولت و مجلس ملی برقرار شده است تبریکات
 « قلبی خودم را به پارلمنت تقدیم میدارم . »

« از آن جناب متمنی هستم که مطالب فوق را با اعضای مجلس مقدس ملی اطلاع بدهند و تصور میکنم که میتوانم یقین حاصل نمایم که وکلای محترم يك علامت و دلیل جدیدی با احساسات دوستانه و نیت خواهی صمیمانه که دولتین انگلیس و ایران را یکدیگر متحد ساخته است در این مطلب مشاهده و ملاحظه خواهند نمود »

(امضا) چارلس - م - مارلینگ

قسمتی از گزارش مستر چرچیل

تهران

مجلس ملی - مذاکرات مجلس ملی در ظرف چهار هفته گذشته تا آن قدری که در جلسات علنی گفتگو گردید خیلی بی نظم تراز همیشه و بدون هیچ اراده و مقصودی بود. وکلای عمده کمال افسردگی و دلنگی را یافته اتفاقات دو روز قبل مشهود میساخت که اتفاق داخلی بمنتها درجه شدت دارد.

مراسلات متحد المقادی که راجع باطمینان شاه در موافقت مشروطیت مودخه سنی ام دسامبر بر رئیس مجلس فرستاده شده بود روز چهاردهم ژانویه قرائت گردید. هفتم ژانویه شارژدافر آلمان مکتوبی نظیر آن به رئیس نوشته و سفیر کبیر عثمانی مراسله بهمان مضمون نیز ارسال داشت و قرائت گردید.

روز بیست و سوم هیئتی از اعضای مجلس شرفیاب حضور شاه گردیده و آن اعلیحضرت اطمینان و تعهداتی که سابق فرموده بودند مکرر داشتند.

یوم ۲۶ ژانویه رئیس مجلس اظهار داشت که دولت آلمان اراده نموده است مدرسه حالیه آلمانی را (که در تهران است) توسعه داده و بجای ۱۲۰ نفر محصلینیکه از این پیش تا کنون مشغول تحصیل میباشند ۷۰۰ نفر بپذیرد و خواهش نمود اعانه که دولت ایران لازم است برای این مقصود همراهی نماید در مجلس تصویب شود. ویرا متذکر ساختند باینکه این مطلب بایستی از مجرای رسمی مخصوصه یعنی وزارت امور

خارجه و نیز وزارت علوم پیشنهاد گردد.

در ۲۸ ژانویه رئیس مجلس علناً آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ را خائن و در حقیقت مرتجع نامید. و بی باکانه فساد اعمال مجتهد مزبور و حتی برخی از اعضای مجلس را بیان نموده و نیز گفت اگر چه در خیال ترك ریاست مجلس و رفتن بلندن با سمت وزیر مختاری بودم ولی چون آقا سید عبدالله سعی دارد مرا مجبور باستعفا نماید لهذا اکنون مصمم شده‌ام که در مقام ریاست خود باقی بمانم. مردم این اعلان منازعه آشکارای رئیس را علامت خیانت وی بمشروطیت تعبیر نمودند. و با اینکه مدتی بود نسبت بی دینی به آقا سید عبدالله میدادند ولی اکنون مردم را عقیده اینست که موقع مقتضی نیست با مجتهد بزرگی که با همکار خود یعنی آقا سید محمد مجتهد از ابتدا با کمال صمیمیت در هیجانهای مشروطیت موافقت داشته بطور نفاق رفتار شود لهذا چنین تصور میکنند که رئیس مجلس بنا بر منافع شاه رفتار میکند.

در نهم ژانویه بعضی از اشرار را که در اواسط دسامبر موجب انقلاب و فتنه گردیده بودند در میدان توپخانه تازیانه زدند و در ۱۳ ژانویه صنیع حضرت سر کرده اشرار بتوسط پلیس دستگیر و محبوس گردید.

۱۲ ژانویه وزیر مختار روس حضور شاه شرفیاب شد و آن اعلیحضرت را نصیحت نمود که از هرگونه سعی در تخریب اساس مشروطیت که بدان واسطه بمخاطره شدید گرفتار خواهند شد جداً احتراز فرمایند. و در ۱۴ همان ماه شارژدافر دولت فخریه جداگانه شرفیاب گردیده مطلبی قریب بهمان مضامین بشاه معروض داشت اعلیحضرت جواب فرمودند چنانچه سابقاً مکرر گفته‌ام بیچوجه در صدد برانداختن مشروطیت نبوده و خود را در ایران یگانه مشروطه طلب حقیقی میدانم در صورتیکه اعضای مجلس ملی وانجمنها عموماً انقلاب طلب و شورش انگیزند.

مستر مارلینگ خیلی اهمیت میداد باینکه جدیت در جلوگیری تموج احساسات عامه و پافشاری در اعاده اساس حکومت استبداد سابق اعلیحضرت را دچار مخاطره شدید خواهد نمود. روز گذشته عضد الملك و شعاع السلطنه همان مطالب را حضور شاه

معروض داشتند و اعلیحضرت هیئتی از اعضای مجلس را بسمت نمایندگی بحضور طلید و مجدداً در نزد ایشان بقرآن قسم یاد نمود که قانون اساسی را رعایت و حفظ نماید شاه برادر خود سالار الدوله را که تابستان گذشته بمخالفت قیام نموده و بدانواسطه در یکی از باغهای سلطنتی خارج تهران محبوس بود بخشید .

امضا جی - پی - چرچیل
منشی شرقی

گزارش چرچیل به سراد وارد گری در فوریه ۱۹۰۸
تهران

« مجلس ملی - اوضاع و حالات ناگوار امور که در خلاصه سابق را پورتش داده »

« شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده »

« در روز ۱۶ فوریه مجلس پس از مباحثات با هیجان عاقبت عزل آصف »

« الدوله وزیر داخله را که مورد ایرادات مختلفه واقع شده بود رای گرفت از »

« جمله ایراد وارده بروی این بود که قوام الملک را بدون تصویب مجلس اجازه »

« داده بود بفارس مراجعت کند کابینه را مجدداً تشکیل خواهند داد وزارت مالیه »

« را بصنیع الدوله تفویض نمودند و قرار شد نظام السلطنه با مقام رئیس الوزرائی نیز »

« وزارت داخله را دارا باشد . »

« احتشام السلطنه هنوز بریاست مجلس اشتغال دارد هیچگونه اشکال و »

« زحمتی متعاقب حمله و تاختی که روز ۲۸ ژانویه به آقا سید عبدالله آورده بود »

« تولید نگردید زیرا مجتهد مذکور وقتی بآن مطلب ننهاد بطور بسی اعتنائی »

« گذراند . »

« باز مردم متوحش میباشند که شاه و در باریان مرتجعوی دوباره شروع »

« باقدام خواهند نمود و در افواه شایع است که عماد قریب یک حمله پلتیکی (کودتا) »



صنیع الدوله



امیر بهادر



جناب آقای حسن تقی زاده
وزیر مختار ایران در لندن



آقای آسید حسن آقا تقی زاده نماینده
دوره دوم دارالشورای ملی

« دیگری بظهور خواهد رسید ولی بالنسبه در ظرف چهار هفته گذشته آرامی موجود »
 « بود سعدالدوله هنوز در سفارتخانه هلند متوقف است. »

« **جراند** - جراند تهران اتصالا مقالات سخت بر ضد سلطنت و حتی مهیج شورش »
 « بطبع میرسانند و یکی از روزنامهجات شرحی در تمجید قاتلین پادشاه بر تقال و ولیعهدش »
 « نوشته بود و یکی دیگر از جراند هفتگی بطایفه قاجاریه پرداخته آنرا عیب »
 « جوئی و ملامت میکرد. »

« انجمن ها یا مجامع سیاسی . صورت اسامی یکصد انجمن برای سفارت »
 « برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است (بریاست تقی زاده و دارای »
 « دوهزار نصد و شصت و دو عضو) انجمن ها اتصالا بکارهای پلتیکی می پردازند . »

امضاء **جی - بی - چرچیل**
 منشی شرفی

گزارش چرچیل به سراد واردگری ۲۷ مارس ۱۹۰۸

تهران مجلس ملی

« کابینه وزراء که مجددا بطریق ذیل تشکیل گردیده در ۲۹ فوریه »
 « بمجلس آمدند »

وزیر داخله و صدراعظم	نظام السلطنه
وزیر عدلیه	مؤید السلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر تجارت و گمرک	موتمن الملك
وزیر معارف	مخبر السلطنه

مراسله مستر مارلینک بسرادواردگری مورخه ۴۷ مارس ۱۹۰۸ از تهران

« آقا-هرچند که در این چهار هفته اخیر تغییر عمده باوضاع عمومی روی نداده »
 « ولی متاسفانه آنچه را که هوید است روبه بدتری است نه بخوبی بعد از سوء قضی »
 « که نسبت بشاه شد بر خلاف نصایح از درباریهای مستبد شاه آرام بوده و روابط با »
 « مجلس بهتر از ایام دیگر بود این تغییر سلوک نه بواسطه تغییر حسیات اعلیحضرت شاه »
 « نسبت بمجلس است بلکه بیشتر بواسطه نتیجه سوء قضی است که نسبت بشاه »
 « شده و شاید هم بشاه معلوم شده است که مجلس باندازه بی اعتبار و طرف تنفر عموم »
 « واقع گردیده که ممکن است خود باجل طبیعی از دنیا رحلت نماید نفوذ و اعتبارات »
 « مجلس بواسطه عدم لیاقت خود و همچنین بواسطه بعضی اقدامات غیر مصلحت آمیز »
 « رئیس برای تسهیل امورات اتصالا رو باضمحلال است رئیس مجلس بعلاوه اینکه »
 « کلیه امورات را مخفیانه در کمیسیون ها میگذرانند اصل جلسات خود مجلس راهم »
 « سری کرده باین ترتیب که در هر جلسه يك جلسه آن سری است و بعلاوه قوانین را »
 « برای محدود نمودن دخول عموم طبقات مردم بمجلس وضع نموده است چونکه »
 « احتشام السلطنه نفوذ کاملی بین و کلا دارد این ترتیب سری نمودن مجلس باعث سوء »
 « ظن عموم نسبت باو شده و مردم دیگر گمان نمیکنند که او شخص وطن پرستی »
 « است بلکه عقیده مردم بر این است که او یا برای منافع شاه و یا برای منافع شخصی »
 « خود مشغول کار است به علل فوق الذکر توجه و محبت مردم نسبت باحتشام السلطنه »
 « بی اندازه کم شده است و در چند روز قبل ظن قوی برده میشد که او را مجبور »
 « باستعفاء نمایند اتفاقی که ممکن است نتیجه مؤثری باوضاع تهران روی بدهد خارج »
 « شدن ظل السلطان بواسطه انتخاب او بحکومت فارس است شاه اعتمادی باو ندارد و »
 « خیلی مایل بود که دفع این خویش خطر ناک خود را بنماید و اصرار باو نمود که مسافرتی »
 « باروپا نماید ظل السلطان هم مصمم بحرکت اروپا شده بود بدلیل اینکه از سفیر »
 « روس تقاضا نموده بود که کشتی برای مسافرت او از آنزلی بطروسک »
 « معین گردد . »

« و هم چنین از منم ملاقاتی نموده و اطلاع داد که بهمین زودیها حرکت »
 « خواهد نمود لیکن روز بعد از ملاقات خبر بمن رسید که ظل السلطان تغییر خیال »
 « داده و از ایران خارج نخواهد شد و پس از اینکه خبر تعیین بجای صاحب اختیار »
 « شیوع پیدا نمود علت این تغییر خیال واضح گردید . »

« اغتشاشیکه بعد از قتل قوام الملک در شیراز روی داد مبرهن ساخت »
 « که صاحب اختیار قادر بحکومت آن شهر نیست حاکم در واقع خود را بکلی گم »
 « کرده و گمان میکنم که پس از مطالعه راپورتی را که در جزو حوادث ماهانه »
 « ایران مندرج است جای تردید برای ایشان باقی نخواهد بود که فقط بواسطه تدبیر »
 « وجدیت مستر گریهم (قونسول اعلیحضرتی) و نفوذ شخصی او در شهر بود که »
 « جلوگیری از جنگ سختی در شهر بعمل آمد در موقع خاموشتری ممکن است »
 « که صاحب اختیار بخوبی حکومت نماید ولی چونکه او جبون و همچنین وجوهات »
 « برای تهیه استعدادی که دولت نتوانسته است برای او اعزام دارندارد لہذا من گمان »
 « نمودم که بر حسب خواهش او از سفارتین (کلهک) بر قراری خود در حکومت) »
 « رفتار ننموده و فقط بدولت ایران تاکید نمودم که اقدامات برای استقرار »
 « انتظام بنماید . »

« در هر صورت ظل السلطان دارای بعضی صفاتی است که در صاحب »
 « اختیار نیست او لاو خیلی متمول است و یقینا میتواند از دهات خود در اصفهان آنقدر استعداد »
 « فراهم نماید که بتواند اقتدارات خود را محفوظ نماید و بعلاوه او مشهور بحاکم »
 « مقتدری است از راپورت خلاصه اتفاقات واضح میشود که هر چند که اغتشاشات مهمی روی »
 « نداده است ولی هرج و مرج خاموشی در جریان و هیچ آثاری هویدا نیست که »
 « حکومت مرکزی بتواند اقتدارات خود را بهتر از سابق معجزی بدارد . »

(امضا) مارلینک

مراسله هستر مارلینک به سرادوار دگری

مورخه ۲۳ آوریل از تهران

« آقا افتخار دارم که مجلی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران بانضمام مختصر »
 « شرحی از صورت جلسات مجلس شورای ملی ایران بطور معمول لفا ارسال دارم . »

(امضا) مارلینک

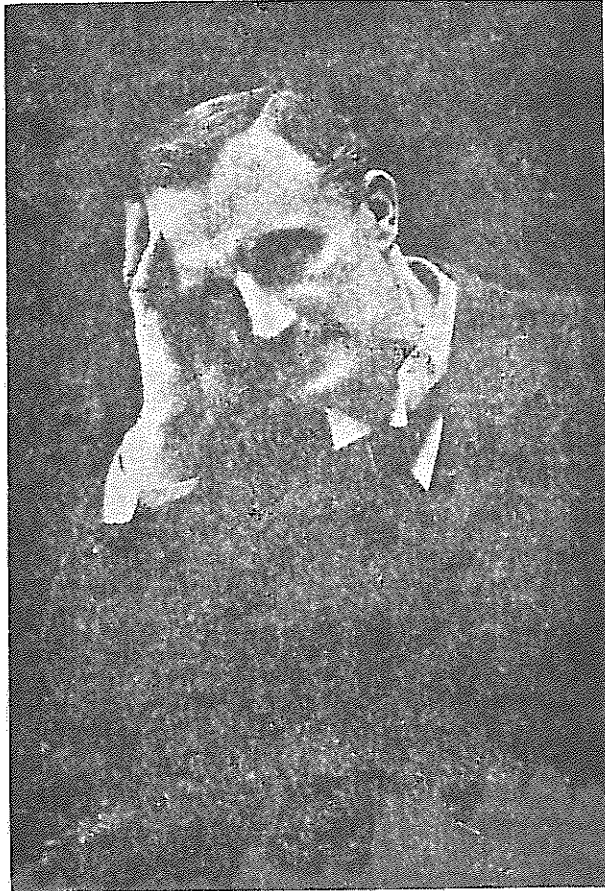
وقایع ماهیانه ایران

« مجلس ملی - پس از اینکه احتشام السلطنه مجبوراً استعفا نمود مخبر السلطنه »
 « بریاست مجلس انتخاب گردید لیکن او این مقام را قبول ننموده و در چهارم ماه آوریل »
 « ممتاز الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید رئیس جدید مجلس برادر سفیر ایران مقیم »
 « پاریس است و در موقعیکه شاهزاده عین الدوله در سال ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ صدر اعظم »
 « بود ممتاز الدوله منشی شخصی ایشان بودند ممتاز الدوله زبان فرانسه را خوب میدانند »
 « و چند مدت هم در وزارت خارجه بوده و کلای آذربایجان او را بریاست انتخاب »
 « نموده اند و علت آنهم این بود که و کلای مزبور مایل نبودند که رئیس مجلس شخص »
 « مستقل الرای باشد و سبب تنفر از احتشام السلطنه هم بهمین دلیل بود ذکاء الملك »
 « حتی پیشنهاد نمود که هر سه ماه یکدفعه رئیس انتخاب گردد لیکن در این خصوص »
 « رای در مجلس گرفته نشد . »

« اخبار عمومی در سوم ماه آوریل احتشام السلطنه بی خبر بطرف اروپا »
 « حرکت نمود . »

« اشخاصی که متهم بقتل تاجر پارسی موسوم باریاب فریدون هستند چند »
 « وقت است که در محاکم عدلیه محاکمه میشوند مجلس محاکمه عمومی است و راپورت »
 « محاکمه در روزنامه مخصوصی که اسم آن محاکمات است مشروحاً نگاشته میشود »

سیاستمدار بزرگ انگلستان در مدت یازده سال



سرادوار دگری وزیر امور خارجه انگلستان (از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۶) و عاقد قرارداد ۱۹۰۷ بود که ایران بر طبق آن قرارداد بدو منطقه نفوذ روس وانگلیس و یک منطقه بیطرف موسوم به منطقه حکومت شاه تقسیم شده بود :

- « بعضی از محبوسین اقرار بقتل نموده اند و خوب واضح است که مقصود آنهازدی »
- « بوده و بهیچوجه مقصود سیاسی بطوریکه بدواً گمان برده میشد در نظر نداشتند »
- « حکم قطعی بالاخره با یکی از مجتهدین خواهد بود ظل السلطان پس از اینکه دو »
- « هفته در اصفهان توقف نمود حالا بطور تفنن بسمت شیراز رهسپار است وزرا همان »
- « اشخاصی هستند که در ماه گذشته ذکر شد . »

(امضا) چرچیل

قسمتی از مراسله مستر مارلینک بسراد واردگری

مورخه ۳۰ ماه آوریل ۱۹۰۸ از تهران .

- « آفادر روز شنبه ۲۵ ماه وزیر مالیه بدون اینکه قبلا از خیال خود کسی را »
- « مطلع سازد بودجه خود را بمجلس پیشنهاد نمود در ضمن نطقی که وزیر مالیه در »
- « موقع پیشنهاد بودجه نمود اظهار کرد که در خصوص ازدیاد مالیات گمرکی ، »
- « بجای و قند وارده بمملکت او با نمایندگان دولتین روس و انگلیس مذاکره »
- « نموده و تایک اندازه امیدوار است که دولتین مذکورترین ضدیتی در تغییر این »
- « تعرفه گمرکی نخواهند نمود مسیویز و مثل سایر اشخاص دیگر اطلاع داشت که »
- « صنیع الدوله مدتها مشغول تهیه نقشه برای اصلاحات مالیه که اساس آن نقشه مبنی »
- « بر ازدیاد مالیات گمرکی بر قند و چای بود مینمود ولی تا ساعت سه بعد از ظهر »
- « روزشنبه مسیو ییزو ابدأ گمان نمیکرد که نقشه معینی ترتیب داده شده است و در »
- « آنوقت وزیر مالیه باو اطلاع داد که او میخواهد الساعه بمجلس رفته و بودجه را »
- « پیشنهاد نماید در هر صورت با مسیو ییزو ابدأ مشورتی در خصوص ترتیب بودجه »
- « مزبور نشده و حتی سوادى هم از بودجه باو داده نشده بود . »
- « وزیر مختار فرانسه از سفیر روس و من خواهش نمود که مسیویز را »

« ملاقات نموده و اطلاعاتی که او پس از یکماه توقف در ایران از اوضاع مالیه مملکتی حاصل نموده مستحضر شویم برای همین مقصود ما در ۲۸ ماه در سفارت فرانسه رفته و از تقریرات مسیو بیزو و در خصوص اوضاع کلیه مالیات ایران من فقرات ذیل را استنباط نمودم . »

« هیچ نوع محل عایدی برای دولت ایران باقی نمانده و همه روزه عده کثیری از طلبکاران که اغلب آنها اربابان حقوقند وزارت مالیه را محاصره مینمایند وزارت مالیه هم بدون اینکه باسناد طلبکاران رسیدگی نماید و برای اینکه خود را از زحمت آنها خلاص نماید اتصالاً حواله باداره گمرک میدهد اداره گمرک هم بواسطه نبودن وجوهات همیشه دچار زحمت این اشخاص است . »

« عقیده عموم بر آنست که دیر یا زود يك استقراض خارجی بشود و اول خرج عمده پرداخت حقوق اربابان حقوق است پس از ورود مسیو بیزو یاس فوق العاده به بعضی اشخاص روی داد بجهت اینکه آنها گمان مینمودند که بمحض ورود او ملیون ها پول از جیب او بیرون خواهد آمد و پس از اینکه او اظهار نمود که دولت ایران نمیتواند باین زودبها قرض فوق العاده بنماید مردم گمان نمیکردند که او از روی حقیقت بیان مینماید بواسطه اینکه اگر چه قرض کلی نبود کلی مینمود ابتدائی که او شروع بکار نمود برای او تحصیل اطلاعات غیر ممکن بود لکن در این ایام اخیر کسب اطلاعات برای او قدری سهل تر شده است هر چند که ایرانی ها عموماً و وزارت مالیه خصوصاً سعی کاملی دارند که او مربوط با اشخاصی نشود که بتوسط آن اشخاص کمکی حاصل نموده و یا اینکه او بآنها نصیحت خیر اندیش نماید (مقصود از این اشخاص مثلاً »

« اعضای کمیسیون قوانین مالیه مجلس) »

« ناصر الملک در پاریس باو اطلاع داده بود که اینطور با او رفتار خواهد شد و تمام اقدامات او را بشکل دیگری تعبیر خواهند نمود و بمسیو بیزو گفته بود که اگر او پیشنهادی بوزارت مالیه مینماید بهتر آن است که سوادى از او را هم بمجلس بفرستد تمام این پیش بینی ها بوقوع پیوسته است و در خصوص بودجه هم »

« ابتدا از او مشورتی کرده نشده و تا عصر روز شنبه که وزیر مالیه بطور اختصار او را از مواد بودجه مستحضر ساخت او بهیچوجه از طرح بودجه اطلاعی نداشت »

« پس از مذاکرات طولانی نتیجه اینطور گرفته شد که برای اینکه دولت ایران مقام مسیو بیزو را بیهوده فرض ننماید بهتر آن است که سفیر روس و فرانسه و من بوزیر امور خارجه اطلاع بدهیم که برای دولت ایران ابتدا مقرر نمردی نخواهد بود که بدون مشورت با مستشار مالیه در خصوص تغییر تعرفه گمرکی پیشنهادی به دولتین روس و انگلیس نماید . »

« بنا براین در روز پذیرائی معموله که ۲۹ ماه بود من بمشیر الدوله اظهار نمودم که سفارت اعلیحضرتی تا بحال نه به صنیع الدوله و نه بهیچ وزیر ایرانی فهمانیده نشده است که دولت اعلیحضرتی قبول ازدیاد هیچ نوع مالیات گمرکی را نخواهد نمود و همچنین اظهار نمودم که از عقیده دولت اعلیحضرتی در این خصوص ابتدا اطلاعی ندارم . »

« و بعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ پیشنهادی را قابل ملاحظه نخواهد دانست در صورتی که طرح آن با کمک مستشار مالیه ریخته نشده باشد و اینکه صنیع الدوله در مجلس اظهار داشته بود که دولتین حاضر باین تغییر هستند بی اصل بوده است . »

« مشیر الدوله در جواب اظهار نمود که بهتر آن است که شما صنیع الدوله شخصاً در این خصوص صحبت نمائید هم سفیر فرانسه و هم سفیر روس در این خصوص در همانروز با وزیر امور خارجه صحبت نمودند . »

« روز بعد من صنیع الدوله را ملاقات نموده و بایشان اظهار نمودم در صورتیکه دولت اعلیحضرتی تا بحال هیچ عقیده خود را در خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه جناب ایشان مطلعند از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادی را قابل دقت نمیداند تا اینکه از مستشار مالیه از او مشورتی شده باشد چرا نباید ایشان پیشنهاد در این خصوص بمجلس کرده باشند و بعلاوه بمجلس »

« فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول خواهند نمود . »
 « جناب ایشان در جواب اظهار داشت که گرفتاری مالیه بحدی است که «
 دولت نمی تواند منتظر بشود تا اینکه مسیو بیزو اطلاعات کامل از اوضاع حاصل «
 نماید و برای جلوگیری از خرابی مملکت جز اقدام فوری چاره دیگر نبود راجع «
 بمطلبی که او در مجلس در خصوص ازیاد مالیات گمرکی عنوان نموده بود «
 صنیع الدوله اظهار داشت که اطمینان او از دوستی دولتین طوری زیاد بود که هیچ تصور «
 قبول نکردن پیشنهاد را نمیکرد و بالاخره گفت که امید بهبودی با اوضاع باندازه کم «
 است و باندازه او خسته از زد و خورد شده است که امروز صبح مصمم شده بود «
 استعفا بدهد من گفتم یک چیزی که دولت اعلیحضرتی طالب است که ایران آرام «
 و آباد باشد ولی اگر از ما تقاضای امتیازی بشود که برخلاف منافع تجارتی باشد «
 ما حق خواهیم داشت که دقت نظری در آن بنمائیم و برای این مقصود دولت «
 اعلیحضرتی عقیده مستشار مالیه خود دولت ایرانرا کافی میدانند . »

تلگراف مستر مارلینک به سراد و اردگیری (واصله ۳ ژون)

تهران ۳ ژون ۱۹۰۸

« اوضاع پلتیکی در سی ام ماه گذشته هیئت وزرا استعفا کرد و تشکیل «
 کابینه جدید خیلی اشکال دارد «
 انجمنهادر صدد آن هستند که بعضی از وابستگان شاه را که با آنها مخالف «
 هستند اخراج نمایند و محض آنکه شاه را مجبور بقبول مطالبات خود نمایند سعی «
 در تخویف کلیه قاجاریه دارند . »

تلگراف مستر مارلینک به سراد و اردگیری (واصله ۳ ژون)

تهران ۳ ژون ۱۹۰۸

« راجع بتلگراف امروز من امیر بهادر جنگ دیشب در سفارت روس بست «
 اختیار نمود دوسه نفر از درباریان شاه او را ترك نموده اند . »

تلگراف مستر مارلینک به سراد و اردگیری (واصله ۴ ژون)

تهران ۴ ژون ۱۹۰۸

« شاه امروز صبح از قصر خارج شده با مستحفظین کثیری بمحل «
 اقامت بیرونی خود باغشاه که خارج دروازه قزوین است رفت . »

تلگراف مستر مارلینک به سراد و اردگیری (واصله ۸ ژون)

تهران ۸ ژون ۱۹۰۸

« صبح روز شنبه ششم ژون مابین شاه و طرفداران ملت ظاهرا صلاح شد «
 ولی صبح روز دیگر با اعلیحضرت شاه راپورت داده شد که انجمنها تلگرافی «
 بظل السلطان در شیراز منخبره نموده او را بآمدن و قبول مقام نیابت سلطنت «
 دعوت کرده اند . «
 همانروز عصر پسر بزرگ ظل السلطان و سردار منصور و علاء الدوله و «
 عضدالملک رئیس ایل قجر که در انقلاب هفته گذشته شرکت نموده از طرف شاه «
 دستگیر گشتند . »